

نگاه قرآن به عقلانیت دین

محمد تقی فعالی

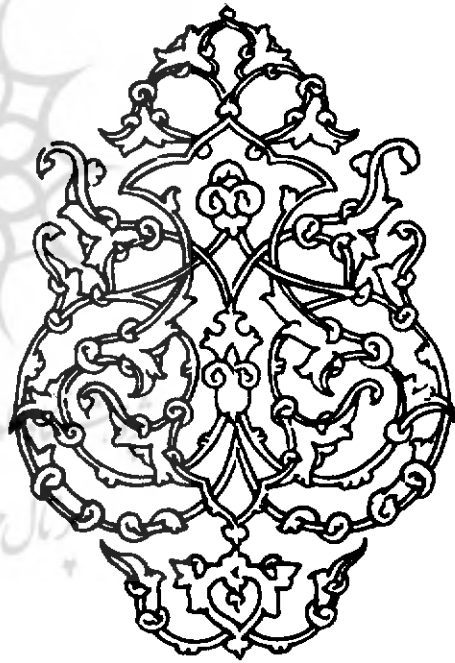
اشاره

در مقاله پیشین اشارتی به دعوت قرآن به تعقل و منابع آن رفت. مراد و منظور از دین و عقل در پی آمد و نیز روشن شد که در قرآن ضمن عنوان شدن معرفت حسی، الهامی، شهودی و عقلی، قسم اخیر ویژگی برتری دارد؛ هر چند علم شهودی از تیقن و استحکام بیشتری برخوردار است. در نهایت روش تعقل در قرآن شیوه مبنای گروهی، معرفی گردید و بر آن شواهدی اقامه شد.

● عقلانیت دعاوی دینی

در قرآن شریف به آیات فراوانی بر می‌خوریم که در آنها با تعبیر «من آیاته» مواجه می‌شویم. موضوع و متعلق «آیه بودن» از دیدگاه قرآن بسیار متنوع و گسترده است: از طبیعت گرفته تا امور انفسی و خلاصه تمام ماسوی الله را شامل می‌گردد. در قرآن بیش از ۳۵۰ آیه وجود دارد که چنین مفادی را دربر دارد، نظیر: «كذلك بين الله آياته للناس لعلهم يتقون»،^(۱) «ومن آیاته خلق السموات والارض واختلاف السنتكم»،^(۲) «ومن آیاته منامكم بالليل والنهار وابتغاؤكم من فضله»،^(۳) «ومن آیاته خلق السموات والارض وما بث فيهما من دابة». بنابراین دعوت قرآن و نیز روایات به تدبیر، تفکر و مطالعه آیات الهی از جهت آیه بودن آنهاست؛ گرچه اندیشه در باب طبیعت و غیر آن خود مفید فایده بوده و ارزشمند است.

آیه به معنای نشانه و علامت است و همواره به امری بیرون و فراتر از خود اشاره دارد. معرفت آیه‌ای به معنای



۱- بقره، ۱۸۷.

۲- روم، ۲۲.

۳- شوری، ۲۹.

عبور معرفت شناختی از نشانه به صاحب نشانه می‌باشد.

شناخت آیه‌ای سهم مهم و بسزایی در معارف بشری دارد. شناخت امور حسی و غیر حسی از طریق علائم محسوس آن مسأله‌ای عادی و روزمره است. از علوم تجربی گرفته - در روانشناسی از علائم رفتاری به ویژگیهای روانی پی می‌برند، در جامعه شناسی از داده‌های رفتار جمعی علل آن به دست می‌آید، هم چنین در علوم پایه از قبیل فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی کاربرد فراوانی از این مدل می‌توان یافت - تا رفتارهای روزمره زندگی می‌توان دهها و صدها مصداق و نمونه و مؤید بر این اصل یافت. ویلیام اکام^(۱) از کشیشان و فلاسفه معروف قرون وسطی اصلی پیش رو نهاد که «امری موجود است که یا محسوس من باشد یا لازمه محسوس من والا باید آن را از صفحه وجود محو کرد» بر این اساس «استره اکام» معروف شد، وی تیغ برکشید و امور فراوانی را از صفحه هستی خارج کرد زیرا با اصل فوق هم‌خوان نبود.

استدلال از راه آیه خود به دو نحو است:

اول: استدلال از راه آثار و علائم حسی بر امر محسوس.

دوم: استدلال از طریق نشانه‌های حسی بر امر غیر حسی.

هر دو استدلال از سنخ معرفت آیه‌ای است و مورد پذیرش همگان از جمله غربی‌ها قرار دارد. البته به این نکته باید توجه داشت که اعراب جاهلی میان خلق و تدبیر تفاوتی قائل نبودند: آنها خلق را به خدا و تدبیر را به ارباب اصنام نسبت می‌دادند از این رو بت‌ها را پرستش می‌کردند، تا آنها نزد خدا شفیعشان شوند. آیات فراوانی در این باب نازل شد تا بیان دارد که آفرینش و تربیت هر دو خاص خداست. از این رو آیات از خلقت اشیاء و تکون انسان آغاز و در ادامه به تدبیر امور اشاره کرد: «ومن آیاته خلق السموات والارض واختلاف السننكم وألوانکم ان فی ذلك لآیات للعالمین»^(۲) «ومن آیاته ان خلقکم من تراب ثم اذا انتم بشر تنتشرون»^(۳) چنانکه در جای جای سخن وحی تعبیری هم چون «یتفکرون»، «یعقلون»، «یذکرون» را می‌توان مشاهده نمود. لذا انتقال از آیه به صاحب آیه تنها به مدد تعقل و تفکر فراهم می‌آید. پس خلق و تدبیر دو امر ممزوج بوده، نه مفروق و

فاعل آن دو یکی است.

ابراهیم (ع) بر بطلان ربوبیت کواکب و ماه و خورشید از راه آثار حسی آن استدلال کرد. اقول و غیبت آنها از انسان، خود دلیل بر مدعاست: «کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات والارض ولیکون من الموقنین، فلما جن علیه اللیل رأی کوباً قال هذا ربی، فلما اقل قال لا احب الافلین»^(۴).

در باب شناخت آیه‌ای، تفاسیری چند مشاهده می‌شود که در این مقال به هم آنها اشارتی خواهد شد.

● تفسیر بر پایه استنتاج علمی

علوم به عنوان مجموعه مسائل هدف‌دار و روش مند در تاریخ دراز آهنگ دچار تحولات وسیعی شده است، لکن همیشه ارکان و مراحل آن بر سبک و سیاق ذیل بوده است، فرضیه، آزمون و قانون.^(۵)

دانشمند علوم طبیعی بر اساس مشاهدات علمی و انس ذهنی حاصله به فرضیه‌ای (گمانه) دست می‌یازد. وی فرضیه خود و دیگر فرضیه‌های رقیب را به آزمون گذارده تا توان تبیین علمی آنها را بیازماید. گام مهم در این زمینه ارزیابی میزان احتمالات است تا بر اساس آن فرضیه‌ای قبول، رد یا تعدیل گردد. میزان احتمال در ارائه نظریه تأثیر تام و تمام دارد، به گونه‌ای که اگر معلوم شد احتمال قابل توجه‌ای وجود داشت که مشاهدات مؤید فرضیه‌ای دوم باشد، در این صورت فرضیه اول رد یا تعدیل یا لااقل از تبدیل شدن به نظریه محروم می‌ماند. ولی اگر میزان احتمال به حدی کم بود که در عمل نادیده گرفته می‌شود، فرضیه نخست از آزمون

۱- آلبرت آوی، سیر فلسفه در اروپا، مترجم دکتر علی اصغر حلبی، ج ۱، ص ۲۵۰. هنری توماس، بزرگان فلسفه، مترجم فریدون بدره‌ای، ص ۱۶.

۲- روم، ۲۲.

۳- روم، ۲۰.

۴- انعام، ۷۹-۵۷.

۵- ایان باریور، علم و دین، مترجم بهاء‌الدین خرمشاهی، ص ۱۸، ۲۷؛ جان لاری، درآمدی تاریخی به فلسفه علم، مترجم علی پایا، ص ۵۳.

فرض کنید ماشین تحریر ما نیز همین یک صد صورت را داشته باشد، احتمال تصادفی یکی از این حروف به طور مشخص یک صدم و احتمال تصادفی دو حرف مشخص پشت سر هم یک ده هزارم است. و حال اگر کتابی داشتیم که هر صفحه آن بیست سطر و در هر سطر پنجاه حرف وجود داشته باشد هر صفحه مجموعاً یک هزار حرف در خود جای خواهد داد بنابراین احتمال تصادفی تایپ کردن یک صفحه از مطالب کتاب به طور صحیح و منظم مساوی کسری است که صورت آن یک و مخرج آن عدد یک خواهد بود با دو هزار صفر در کنار آن. این عدد به قدری عظیم و نجومی است که هیچ کس نمی تواند آن را به درستی تصور کند. اگر تمام اتمهای منظومه ها و کرات آسمانی را حساب کنیم در برابر آن مسلماً عدد کوچکی خواهد بود. به همین دلیل یک احتمال از این عدد بزرگ بقدری کوچک است که عملاً هیچ فرقی با صفر ندارد. حال اگر این کتاب یک هزار صفحه داشته باشد، احتمال تصادفی تایپ آن به وسیله یک بی سواد، احتمال از کسری خواهد بود که مخرج آن دو میلیون صفر داشته باشد و اگر کتابخانه ما فقط یک هزار کتاب دارا باشد دو میلیارد صفر در مخرج کسر خواهیم داشت.

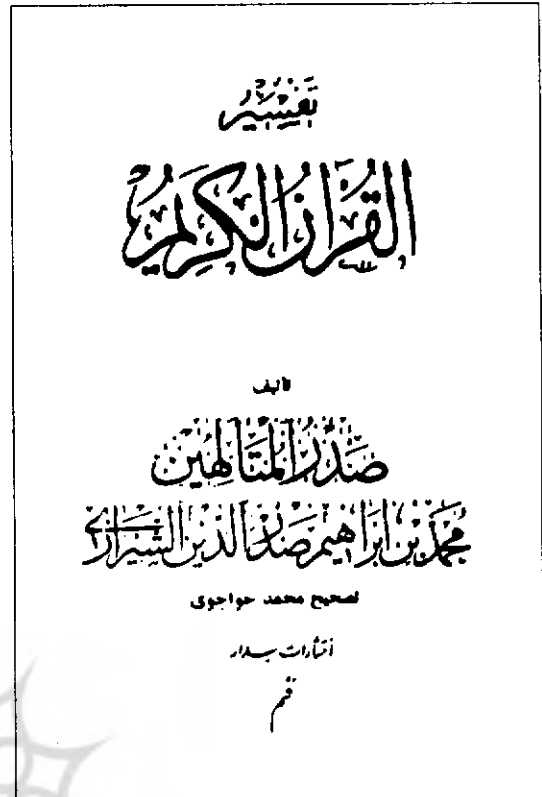
با این حساب راهی برای پژوهشگر باقی نمی ماند جز اینکه فرضیه دخالت طرح و تدبیر در خلقت را بپذیرد. و هرچه دقت و توجه و مطالعه خود را افزون کند، نظم ناشناخته ای کشف خواهد شد و در نتیجه احتمال قریب به صفر، ناچیز و ناچیزتر می شود و این امر حاصلی جز ایمانی صد چندان به خدا نخواهد داشت.

این تفسیر در سخنان اندیشمندان و فرزندان معاصر با اندک اختلافی مشاهده می شود.^(۲) هم چنین در برخی آثار فلاسفه مسیحی ردپایی از آن را می توان یافت.^(۳)

۱- شهید صدر، محمدباقر، الاسس المنطقية للاستقراء.

۲- الرسل والرسول والرسالة، شهید محمدباقر صدر، ص ۳۸-۴۷؛ شهید مرتضی مطهری، توحید ص ۵۸-۹۸ و مجموعه آثار، ج ۳، ص ۵۰ سیری در نهج البلاغه، ص ۵۴.

3 . philosophy of Religion, Louis. Pojman p.39.



سر بلند و پیروز بیرون آمده، نظریه علمی محسوب می شود. مدل روش استقرائی مبتنی بر احتمالات یا روش شناخت آیه ای در مورد ذات واجب قابل تطبیق می باشد.^(۱) می توان با مشاهده کوه و درو دشت آسمان و زمین به نظمی بس عمیق پی برد و آن را گواه بر مدبری بس نکته دان و نکته سنج و خبیر و توانا گرفت. البته فرضیه ای دیگر می توان ابراز داشت و آن اینکه نظم مشهود در پاره های خلقت بدون دخالت قادری توانا و صرفاً بر اساس تصادف و صدفه تحقق یافته است: مثلاً نظم منظومه شمسی که حاصل صدها و هزاران اجزاء و ارتباطات است با احتمالی با کسری بنا مخرج بسیار زیاد حاصل اتفاق باشد. ولی تنها توجه به مثال ذیل امر را تا حد زیادی واضح و روشن می کند:

می دانید حروف فارسی از نظر نوشتن بعضی (مانند ب) به چهار صورت (ب، ب، ب، ب و ج) نوشته می شود و بعضی (مانند و) به دو صورت (و، و، و)، و مجموعاً بیش از یک صد شکل پیدا می کند و ما عجائلاً یک صد شکل حساب می کنیم.

● تفسیر بر پایه استنتاج فلسفی

مراد از استنتاج فلسفی این است که کبرای استدلال، اصلی عقلی و فلسفی بوده و صدق خود را و مدارِ آزمون و مشاهده حسی نباشد. پس ممکن است صغرای استدلال مقدمه‌ای تجربی و حسی باشد. ولی از آنجا که فلسفه نفی است استدلال ماهیتاً فلسفی خواهد بود. شناخت آیه‌ای در قرآن در تلقی برخی بزرگان ماهیتی فلسفی دارد. فلیسوف کبیر علامه طباطبایی. در عین حال که وجود خدا در قرآن را امری بدیهی تلقی فرموده‌اند، لکن با پذیرش شناخت آیه‌ای می‌فرمایند: با تدبیر و تأمل در آیات تکوینی الهی می‌توان جهاتی یافت که با انضمام اصول عقلی دلالت بر ذات پاک خدای سبحان و صفات علیای او خواهد داشت. مشاهده فقر و نیاز با توجه به اصل عقلی «احتیاج وجود فقیر به ذات غنی» دلالتی آشکار بر وجود خدای صمد و صفات حُسنای او دارد.^(۱) برخی فلاسفه دیگر استدلال بر ذات پاک واجب را در قرآن روا می‌دارند.^(۲)

براهین موسوم به براهین جهان شناختی در فلسفه دین مسیحی اغلب با اخذ یک مقدمه تجربی از قبیل «حرکت» «حدوث» و ضمیمه یک اصل فلسفی نظیر «احتیاج حادث به محدث یا احتیاج متحرک به محرک» به اثبات وجود خداوند می‌پردازند. به هر حال می‌توان گفت شناخت آیه‌ای در این دو تفسیر تابع الگوی معرفتی «شاهد ← جریان استدلال ← باور» می‌باشد. و ما با رعایت اصول استدلال علمی و فلسفی از طریق مقدماتی به نتیجه مطلوب منتهی می‌شویم.

● تفسیر بر پایه تعبیر دینی

فلیسوفان دین معاصر، آنان که نگاهی مثبت به دین و مبانی آن دارند، برخی علی‌رغم این که معتقدند ادله اثبات واجب از اثبات قطعی وجود او ناتوانند، ایمان به خدا را امری معقول و از مقوله باورهای غیر مبتنی بر دلیل و استنباط می‌دانند. جان هیک می‌پرسد آیا شناختن یعنی اثبات کردن؟ خود در پاسخ می‌گوید لااقل از دیدگاه نویسندگان کتاب مقدس چنین نیست. وجود خداوند نزد آنها امری ملموس است نه

● موضوعی برای استدلال و استنباط.^(۳)

مفهوم استدلال یا آوردن شاهد و دلیل، متضمن نوعی شکاف و فاصله میان واقعیت مشهود و مسأله مطلوب می‌باشد. هیک با استفاده از اصل «کلیفورد» که از اصول معرفت‌شناسی نوین است، معتقد است که «همواره و همه جا و برای همه کس نادرست است که به چیزی باور داشته باشد اما دلیل و مدرک کافی برای آن ارائه ندهد» او این اصل را نیازمند تعدیل و تغییر می‌داند. تنها معرفت‌های استدلالی است که محتاج شاهد و مدرک است، اما معارف تجربی نیازی به استدلال ندارد؛ ما به داده‌های حسی خود اعتقاد داریم ولی اعتقاد مزبور بر اساس دلایل و شواهد تلقی نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت مجموعه معرفت‌های ما به دو قسم معرفت مبتنی بر شواهد و معرفت غیر مبتنی بر شواهد تقسیم می‌شود. الگوی معرفتی دسته اول عبارت است از: شاهد ← استنباط ← باور ولی الگوی معرفتی معارف غیر مبتنی بر شواهد نیازمند شاهد و فرایند استنباط نیست. وی معرفت‌های غیر استدلالی را شامل اصول بدیهی عقلی و ادراکات حسی می‌داند و هم‌چنین با تمایز میان باورهای پایه‌ای و باورهای بنیادی مدعی می‌شود که ادراکات دینی از قبیل باورهای بنیادی است که ضمناً باوری غیر استدلالی و نیز ارزشمند می‌باشد.^(۴)

● تفسیر بر پایه شناخت از راه تذکر

می‌دانیم که «علم» در علوم اسلامی با تقسیم اولی به دو قسم علم حضوری و علم حصولی تقسیم می‌شود. قسم اول علمی پیشین و از مقوله یافته‌هاست و دامنه‌اش از خطا، تزلزل، تردید

۱- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۳۹۵ و ج ۱۸، ص ۱۵۴.

۲- الاشارات والنهیات، ج ۳، ص ۶۶- الاسفار الاربعه، ج ۶، ص ۱۴.

۳- جان هیک، فلسفه دین، مترجم بهرام راد، فصل ششم.

Philosophy of Religion ABERNETHY...Newyork, The mocnilan company p.252.

4. Dancy, Gonathan. An Introduction to comtemporary Epistemology (Basil Blackwell), Part u.

از این روست که او در وحی خود به گونه‌هایی چند تجلی کرد؛ گاه فرمود: «ان فی ذلك لایة لقوم یعقلون»^(۴) و گاه به اشارت «ان فی ذلك لایة لقوم یدکرون»^(۵)



و تیرگی مصون است. در قرآن به‌طور وفور تذکر به میثاق ازلی و ملاقات حضوری و مراجعه شهودی یافت می‌شود. نظیر آیه فطرت: «فطرة الله التي فطر الناس علیها لا تبدل لخلق الله»^(۱) یا آیه ذر «واذ اخذ ربك من بنی ادم من ظهورهم ذریتهم واشهدهم علی انفسهم الست ببربکم قالوا بلی شهدنا»^(۲) در روایتی وارد است که فرمود خدای سبحان فرمود «الیس لکم رب» بلکه فرمود «الست بربکم» به عبارتی دیگر از ضمیر متکلم استفاده کرد. این امر دلالت بر معرفت شهودی پیشین از نوع معرفت آیه‌ای دارد. زیرا آنها را بر نفس‌هایشان شاهد گرفت، آنان نیز بدون تأمل شهادت بر رب بودن خدای سبحان دادند و به تعبیر دقیق‌تر ربوبیت او را یافتند. به دیگر سخن یافتن خود، عین یافتن اوست نه مقدمه آن تا میان آن دو شکاف و فاصله افتد. گاه انسان با مشاهده ردپایی می‌فهمد عابری از آن مسیر گذشته است؛ این فهم غایبانه مشخصات دقیقی از عابر به انسان نمی‌دهد. بر خلاف شناخت شهودی که مشهود بر شاهد واضح و آشکار خود را می‌نمایاند. بنابراین شناخت آیه‌ای در این مورد نشانه‌ای از خدایی است که در عمق جان جا دارد و هر انسان در زوایای وجود خود هم‌نشین اوست و تنها تصفیة درون کافی است تا پرده از رخساره آن بر گیرد. نتیجه آن که به جز تفسیر دوم دیگر تفاسیر معقول و مستدل می‌نماید. جان آدمی ساحت‌های فراتر از حس دارد و با عقل یا شهود می‌تواند به فراسوی نشانه‌ها گام بردارد. البته طعن عارف بر عقل فیلسوف نه به جهت تحقیر آن است، بلکه از آن روست که وی را تا سرای معشوق برکشد.

چشم اگر داری تو کورانه میا

ور نداری چشم، دست آور عصا

آن عصای حزم و استدلال را

چون نداری دید می‌کن پیشوا

ور عصای حزم و استدلال نیست

بی عصا کش بر سر هر ره مایست

گام ز آن سان نه که ناپینا نهد

تا که پا از چاه و از سگ وا رهد^(۳)

۱- روم، ۳۰.

۲- اعراف، ۱۷۲.

۳- مشنوی مولوی با تصحیح دکتر استعلامی، ج ۳، بیت ۲۷۶ به بعد.

۴- نحل، ۶۷.

۵- نحل، ۱۳.